فصلنامه علمي اقتصاد و بانکداري اسلامی، شماره سي و ششم، پاییز ۱٤۰۰ صفحات ٤۹۳-٤۷۳

رابطه بین بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه با مدیریت سود تعهدی با تاکید بر اندازه هیئت مدیره

نوع مقاله: پژوهشی

احد لطفی[۱]
غلامرضا پسیان[۲]

اریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین بیش ارزش گذاری حقوق صاحبان سرمایه با مدیریت سود تعهدی با تاکید بر اندازه هیئت مدیره می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع هدف، کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی- همبستگی است. دوره زمانی پژوهش، ۱۳۹٤-۱۳۹۹ بوده است. همچنین جامعه آماری تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که ، ۱٤۹ شرکت به‌عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه گیری حذفی سیستماتیک انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره در نرم‌افزار۱۰ **Eves** استفاده شده است. جمع آوري اطلاعات و داده ها به دو روش کتابخانه اي و ميداني انجام شده و برای آزمون نرمال بودن متغیر پاسخ از آزمون چارک برا در بخش آمارتوصیفی، برای آزمون معنی داری کل معادله رگرسیون از آزمون F و برای آزمون معنی درای ضرایب از آزمون t استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام و مدیریت سود تعهدی تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد. و اندازه هیئت‌مدیره، شدت تأثیر بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود تعهدی را تعدیل می‌کند.

واژه های کلیدی : مدیریت سود، اندازه هیئت مدیره ، بیش ارزش گذاری حقوق بالای سرمایه
طبقه بندی JEL : G12,G34,G11

---

۱ دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)
Ahadlotfi43@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری گروه مدیریت صنعتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
Pesyan4504@gmail.cim

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

مقدمه و بیان مسئله

ازآنجایی‌که وجوه نقد حاصل از عملیات، کمتر مورد دستکاری و اعمال‌نظر مدیریت می‌تواند قرار گیرد، مدیریت سود، از طریق اقلام تعهدی اختیاری صورت خواهد گرفت. نسبت قیمت به سود هر سهم بالا در شرکت‌های مذکور، نشان‌دهنده خوش‌بینی بازار نسبت به رشد خوب شرکت در آینده است. به عبارتی، سرمایه‌گذاران با تصور عملکرد بهتر شرکت در آینده، اقدام به ارزیابی بیش‌ازحد سهام و اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند و نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاران در انتظار تکرار فرصت‌های کنونی در آینده هستند؛ بنابراین، به امید بازده بالا در آینده، اقدام به خرید سهام می‌نمایند. (عظیمی فر و ودیعی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر از نسبت P/E به‌عنوان مبنا، برای ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام استفاده گردیده است؛ که این نسبت معیاری از ارزش‌گذاری، مبتنی بر بازار سرمایه است. بدین‌صورت که شرکت‌هایی که در پایان سال مالی گذشته دارای نسبت قیمت به سود هر سهم بالایی بوده‌اند، در گروه شرکت‌های بیش ارزش‌گذاری شده، طبقه‌بندی شده‌اند. جنسن (۲۰۰۵) استدلال می‌کند زمانی که شرکتی دارای ارزش بیش‌ازحد بشود، یعنی قیمت شرکت بیش از ارزش اقتصادی اصلی‌اش بشود، مدیران ترغیب (مایل) به تداوم بخشیدن به ارزش‌گذاری بیش‌ازحد (افراطی) می‌شوند که در اصل با استدلال‌های رناس و کبولا[1] (۲۰۰۵) سازگار هستند، زیرا شرکت بیش ارزش‌گذاری شده بر اساس تعریف، فاقد توانایی عملیاتی (عملکردی) برای دستیابی به سطوح عملکردی است که در قیمت آن انعکاس می‌یابد و مدیران به استفاده از سیاست‌های حسابداری برای به حداکثر رساندن سود ترغیب می‌شوند. منظور از سیاست‌های حسابداری عبارت است از فرایند انجام اقدامات عمومی در محدوده اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری که سبب رسیدن به سطح سود موردنظر می‌شود (آلیجیفری[2]، ۲۰۰۷). اگرچه گزینه‌های انتخابی فراوانی برای دستیابی به اهداف مدیریتی سود ها وجود دارد، اما اقلام تعهدی گزینه انتخابی ویژه و جذابی هستند زیرا مقادیر آن‌ها مستلزم برآوردها و ارزیابی‌های آینده‌نگرانه می‌باشند که بر اساس آن‌ها مدیران دارای اختیارات قابل‌توجهی هستند. در پژوهشی که اخیراً صورت گرفته است، هومز و اسکانتز[3] (۲۰۱۰)، تائید می‌کنند که انگیزه‌های مربوط به حقوق صاحبان سهام بیش ارزش‌گذاری شده، مدیران را به حمایت از ارزش‌گذاری‌های بیش‌ازحد با استفاده از اقلام

1. Renas and Cebula
2. Aljifri
3. Houmes & Skantz

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

تعهدی اختیاری جهت مدیریت بهتر و کارآمدتر درآمدها، ترغیب می‌کنند (هومز[1] و همکاران، ۲۰۱۳). اقلام تعهدی به دودسته عادی (منتظره یا غیر اختیاری) و غیرعادی (غیرمنتظره یا اختیاری) تقسیم می‌شوند. ازآنجاکه اقلام تعهدی غیرعادی، در اختیار مدیریت و قابل‌اعمال نظر توسط مدیریت هست، از این اقلام به‌عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می‌شود. اقلام تعهدی غیرعادی اقلامی هستند که مدیریت می‌تواند آن‌ها را کنترل کرده و می‌تواند مدیریت بر آن‌ها کنترل داشته و می‌تواند آن‌ها را به تأخیر بیندازد، حذف کند و یا در ثبت و شناسایی آن‌ها را تسریع کند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۰). هرچه تعداد اعضای مستقل هیئت‌مدیره در ترکیب هیئت‌مدیره بیشتر باشد، عملکرد شرکت بهتر خواهد بود؛ نتیجه‌ای که محققانی همچون دونالد سون و دیویس[2] (۱۹۹۱) خلاف آن را به تأیید رسانده‌اند. به‌طورمعمول هیئت‌مدیره‌ای که تعداد مدیران غیرموظف آن بیشتر است، تصویر مثبتی از استقلال و مسئولیت پاسخگویی را برای سهامداران تداعی می‌کند و حصول اطمینان از رعایت ویژگی‌های حاکمیت شرکتی را نیز افزایش می‌دهد، درنتیجه، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بیشتر است، اجتناب مالیاتی نیز کمتر باشد و ارزش شرکت بهبود یابد (ناظمی و پورعنقا، ۱۳۹۷).

با توجه به مطالب فوق، تحقیق حاضر درصدد بررسی رابطه بین بیش ارزش گذاری حقوق صاحبان سرمایه با مدیریت سود تعهدی با تاکید بر اندازه هیئت مدیره هست.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود

اقلام تعهدی، به دودسته تقسیم می‌شوند، آن دسته از اقلامی را که در مدل تجاری شرکت‌ها و محیط عملیاتی آن‌ها به وجود می‌آید و مدیریت واحد تجاری در پیدایش آن‌ها دخالتی نداشته است و در حین انجام فعالیت‌های تجاری ایجادشده باشند را اقلام تعهدی غیر اختیاری می‌نامیم. دسته‌ای دیگر از اقلام تعهدی که به خاطر انتخاب روش‌های حسابداری، تخصیص‌های اختیاری، تصمیم‌های مدیریتی و قضاوت‌ها و برآوردها به وجود می‌آیند، اختیاری نامیده می‌شود (ودیعی و عظیمی‌فر، ۱۳۹۱).

1 Homes
2. Donald Soon & Davis

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۲-۱. مدیریت سود

در عصر بعد از انرون[1]، واژه مدیریت سود به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائل در نظر گرفته‌شده و توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. مدیریت سود عبارت است از فرایند انجام اقدامات عمومی در محدوده اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری که سبب رسیدن به سطح سود موردنظر می‌شود (آلیجفری، ۲۰۰۷). بنابراین مدیریت سود زمان رخ می‌دهد که مدیران در گزارشگری مالی و در سازمان‌دهی معاملات از قضاوت استفاده کرده و گزارش‌های مالی را تغییر دهند به‌گونه‌ای که برخی ذینفعان نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه شوند یا نتایج قراردادهایی را تحت تأثیر قرار دهند که به اعداد حسابداری وابسته است (هالی و والن[2]، ۱۹۹۹). به‌هرحال، مدیریت سود برخلاف تقلب، مستلزم انتخاب رویه‌های حسابداری و برآوردهایی است که مطابق اصول پذیرفته‌شده حسابداری هستند. مدیریت سود عمدتاً به یکی از دو روش زیر صورت می‌گیرد:

تغییر روش حسابداری (مثلاً لایفو به فایفو). به‌کارگیری روش دوم نسبت گران بوده، قابلیت مشاهده داشته و کشف آن توسط حسابرس آسان‌تر می‌باشد. از هر دو روش می‌توان برای افزایش یا کاهش سود استفاده کرد، مشروط بر اینکه پرهزینه نباشد. پژوهش‌های تئوری حسابداری اثباتی مبین آن است که روش‌های حسابداری تعهدی اختیاری به‌عنوان ابزاری برای مدیریت سود مورداستفاده قرارگرفته‌اند. پژوهش‌های گذشته به این نتیجه رسیدند که برای مدیران، انتقال سود بین دوره‌ها از طریق تغییر رویه‌ها پرهزینه‌تر است. به‌ندرت شرکت ها رویه‌های حسابداری خود را به‌صورت سالانه تغییر می‌دهند. به‌عنوان‌مثال، تغییر به روش استهلاک خط مستقیم در یک سال معمولاً با تغییر به روش مانده نزولی مضاعف در سال‌های بعد همراه نیست. در این راستا مدیران انعطاف‌پذیری بیشتری برای تغییر اقلام تعهدی دارند. آن‌ها می‌توانند شناسایی فروش را تسریع کنند یا به تأخیر بیندازند و مخارج تعمیرات را سرمایه‌ای یا هزینه کنند (آلیجفری، ۲۰۰۷).

۳-۱. بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه

طبق مطالعات انجام‌شده در زمینه کیفیت حسابرسی، در مواقعی که شرکت حسابرسی یک شرکت بزرگ باشد، یا در یک صنعت خاص تخصص داشته باشد و یا دوره فعالیت آن در یک

1. Post-Enron
2. Healy and Wahlen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

شرکت (مشتری خدمات حسابرسی) طولانی باشد، میزان اقلام تعهدی اختیاری شرکت کاهش می‌یابد. هدف این پژوهش اثبات این قضیه است که نشان دهد همان‌طوری که مدیران به‌منظور کسب درآمد بیشتر تعهدات بیشتری را تقبل می‌کنند، مشوق‌های مربوط به حقوق صاحبان سهام بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده نیز موجب کاهش این نتایج می‌شوند (هومز و همکاران، ۲۰۱۳). تئوری کلاسیک (آژانس) تائید می‌کند که هم سو بودن منافع مدیریتی و سهامداران، انگیزه برای ایجاد ارزش را افزایش می‌دهد. بااین‌وجود، جنسن (۲۰۰۵) استدلال می‌کند زمانی که شرکتی دارای ارزش بیش‌ازحد بشود، یعنی قیمت شرکت بیش از ارزش اقتصادی اصلی‌اش بشود، مدیران ترغیب (مایل) به تداوم بخشیدن به ارزش‌گذاری بیش‌ازحد (افراطی) می‌شوند که در اصل با استدلال‌های رناس و کبولا سازگار هستند؛ زیرا شرکت بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده بر اساس عرف، فاقد توانایی عملیاتی (عملکردی) برای دستیابی به سطوح عملکردی است که در قیمت آن انعکاس می‌یابد و مدیران به استفاده از سیاست‌های حسابداری جسورانه (مدیریت سود) برای به حداکثر رساندن سود ترغیب می‌شوند. اگرچه گزینه‌های انتخابی فراوانی برای دستیابی به اهداف مدیریتی سودها وجود دارد، اما اقلام تعهدی، گزینه انتخابی ویژه و جذابی هستند. آن‌ها بخش طبیعی از پروسه مالی هستند و مقادیر آن‌ها مستلزم برآوردها و ارزیابی‌های آینده‌نگرانه می‌باشند که بر اساس آن‌ها مدیران دارای اختیارات قابل‌توجهی هستند. در پژوهشی که اخیراً صورت گرفته است، هومز و اسکانتز (۲۰۱۰) تائید می‌کنند که انگیزه‌های مربوط به سهام بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده مدیران را به حمایت از ارزش‌گذاری‌های بیش‌ازحد با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری جهت مدیریت بهتر و کارآمدتر درآمدها ترغیب می‌کنند. نتایج نشان می‌دهند که در سال بعد از ارزش‌گذاری و نسبت به سایر شرکت‌ها، شرکت‌های بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده اقلام تعهدی اختیاری بیشتری را گزارش می‌کنند. در بین سایر موارد، آن‌ها نتیجه گرفتند که مدیران و کمیته‌های حسابرسی باید زمانی که شرکت بیش‌ازحد ارزشگذاری شده است به‌ویژه نسبت به مدیریت سود حساس باشند. بر اساس این نکات، یافته‌های هومز و اسکاتر (۲۰۱۰) را از طریق بررسی تأثیر ارزش‌گذاری بیش‌ازحد بر روی کیفیت حسابرسی بسط و گسترش می‌دهیم. این پژوهش شواهدی فراهم می‌کند که رابطه معکوس و مستند پیشین بین شرکت‌های بزرگ، شرکت‌های حسابرسی متخصص در صنعت، شرکت‌های حسابرسی با تصدی بلندمدت و اقلام تعهدی اختیاری، زمانی تضعیف می‌شود که شرکت دارای ارزش‌گذاری بیش‌ازحد باشد. پژوهش‌های پیشین اثبات کرده‌اند، حسابرسان بسیار کارآمد و باکیفیت به‌طورکلی اقلام تعهدی را محدود می‌کنند. در مقابل، باوجوداین، اقلام تعهدی برای صاحب‌کاران بیش‌ازحد ارزشگذاری شده به لحاظ آماری (آمار

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

ورقم) از حسابرسان بسیار کارآمد زیاد می‌باشد. به‌ویژه، اقلام تعهدی برای صاحب‌کاران مؤسسات حسابرسی بزرگ، متخصص در صنعت، برای صاحب‌کارانی افزایش می‌یابد که در سال گذشته دارای بالاترین نسبت قیمت به سود هر سهم در میانه نسبت P/E سال قبل باشند. ازاین‌رو، تمایل بیش‌ازحد برای شرکت‌های حسابرسی دارای کیفیت بالا جهت کاهش اقلام تعهدی زمانی کاهش می‌یابد که شرکت، بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده باشد. درصورتی‌که ارزش‌گذاری بیش‌ازحد حقوق صاحبان سهام، کیفیت حسابرسی را تضعیف کند در این صورت حسابرسان حسابرسی‌های باکیفیت پایین‌تر را در اکثر شرکت‌ها انجام خواهند داد (هومز و همکاران، ۲۰۱۳).

در پژوهش حاضر از نسبت P/E به‌عنوان مبنا برای ارزش‌گذاری بیش ا ز حد حقوق صاحبان سهام استفاده‌شده است. استفاده از مبنای فوق نشانگر این است که قیمت‌ها سبب پیشبرد سود است. نسبت P/E بالا در شرکت‌ها، نشان‌دهنده خوش‌بینی بازار نسبت به رشد شرکت در آینده هست. به‌عبارت‌دیگر، سرمایه‌گذاران با تصور عملکرد بهتر شرکت در آینده، اقدام به ارزشیابی بالای سهام و سرمایه‌گذاری می‌نمایند. نسبتP/E یکی از کاربردی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نسبت‌ها در علم مدیریت مالی است که می‌تواند به افراد در جهت تعیین اینکه ارزش یک شرکت بالا و یا پایین است کمک نماید (همان منبع)

٤-١. هیئت مدیره

مدیران غیرموظف در گذشته، نقش برجسته‌ای در حاکمیت شرکتی ایفا نمی‌کردند، به هر حال از زمان انتشار گزارش کادبری در سال ۱۹۹۲ آنها به‌عنوان اعضای کلیدی هیئت مدیره اهمیت فزاینده‌ای پیدا کردند. در حال حاضر، مدیران غیرموظف برای ارتقای اثربخشی هیئت مدیره و منبع اطمینان سرمایه‌گذاری، جزء ضروری به شمار می‌آیند. به عقیده فاما و جنسن (۱۹۸۳) مدیران غیرموظف به تفکیک تصمیمات مدیریت و کنترل کمک می‌کنند و هنگامی‌که محدودیت‌های خارجی بر رفتار مدیران اجرایی ضعیف است، مکانیزم حاکمیت خوبی به شمار می‌روند. استقلال هیئت مدیره غیرموظف، می‌توانند فشار اعضای داخلی را کم کرده، به‌طور مثبتی بر معیارهای عملکرد شرکت اثر بگذارند. حضور اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره، قدرت هیأت مدیره را به عنوان مکانیزم کنترل افزایش می‌دهد. سرانجام، مدیران غیرموظف با احتمال کمتری با مدیریت در سلب مالکیت سهامداران تبانی می‌کنند. آنها داورانی هستند که مدیریت ارشد را بازنگری می‌کنند و در صورت لزوم افراد مؤثرتری را جانشین مدیریت می‌کنند (فرزین وش و همکاران، ۱۳۹۶).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

٤. پیشینه تحقیق

۴-۱ . تحقیقات خارجی

. روسا[1] و همکاران (۲۰۲۳). تأثیر مالکیت نهادی بر هزینه حقوق صاحبان سهام با تاکید بر مدیریت سود تعهدی را موردبررسی قراردادند. ایشان ۲٤۹ شرکت اروپایی را انتخاب و داده‌های این شرکتها را در بازه ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲ موردمطالعه قراردادند. نتایج نهایی نشان داد که بین مالکیت نهادی و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی وجود دارد و مدیریت سود این رابطه را تعدیل نمی‌کند.

۲. کومالا[2] و همکاران (۲۰۲۲). ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود را موردبررسی قراردادند. ایشان شرکت‌های بورسی در مالزی را در صنعت استخراج معادن در طی سال‌های ۲۰۱۲ الی ۲۰۱٤ که بالغبر ۱۰۵ شرکت*سال بود، موردمطالعه قراردادند. شواهد حاکی از ارتباط منفی بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت (CSRD) و مدیریت سود بود. نویسندگان همچنین نقش مستقیم و تعدیل‌کننده مالکیت خانواده را بررسی نمودند. ایشان رابطه مثبتی بین مالکیت خانواده و مدیریت سود پیدا کردند. علاوه بر این، مالکیت خانواده ارتباط منفی بین CSR و مدیریت درآمد را تقویت می‌کند.

۳. حدداد[3] و همکاران (۲۰۱۹). در پژوهشی اقدام به بررسی ارتباط بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی با مدیریت سود واقعی و تعهدی پرداختند. ایشان در این تحقیق از ۱۰۸ شرکت دولتی اردن که سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱٤ را پوشش می‌دهند، استفاده نمودند. فرضیه‌ها را نیز با استفاده از مدل‌های رگرسیون OLS تلفیقی آزمون نمودند. ایشان دریافتند که مالکیت نهادی و مدیریتی استفاده از REM و AEM را محدود می‌کند؛ اما به نظر نمی‌رسد که مالکیت خارجی تأثیر مهمی بر انواع مدیریت سود داشته باشد. آن‌ها همچنین دریافتند که مدیران از REM و AEM به‌طور مشترک استفاده می‌کنند تا بیشترین سود را بدست آورند.

٤. لیو و لی[4] (۲۰۱۹). در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اجتناب از مالیات و مدیریت سود در نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های چینی پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که CSR باراهنمایی دولت می‌تواند در کاهش مدیریت سود شرکت ها و جلوگیری از اجتناب مالیات مؤثر باشد، حتی اگر این اثر محدود به شرکت‌های دولتی باشد.

---

1. Rosa
2. Kumala
3. Haddad
4. Liu & Lee

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۵. بزنویچ[1] و همکاران (۲۰۱۹). در پژوهشی رابطه بین مدیریت سود و کارایی سرمایه‌گذاری را موردمطالعه قراردادند. این مطالعه بر اساس نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته‌شده فرانسوی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، یعنی ٤٣٥ مشاهدات در سال شرکت انجام‌شده است. ایشان از روش متغیر ابزاری بر اساس مدل‌های 2SLS استفاده کرده‌اند. نویسندگان نشان دادند که بین مدیریت سود و کار آیی سرمایه‌گذاری رابطه منفی وجود دارد. این یافته از دیدگاه تئوریک نظریه آژانس پشتیبانی می‌کند، زیرا تمایل بنگاه‌ها به مشارکت در شیوه‌های مدیریت سود با رفتار فرصت‌طلبانه مدیریتی بالا و مسائل مربوط به اطلاعات نامتقارن همراه است. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که اندازه هیئت‌مدیره، استقلال و تنوع جنسیتی باکار آیی سرمایه‌گذاری رابطه مثبت دارد.

۲-۴ . تحقیقات داخلی

۱. میرنیا و همکاران (۱۳۹۹). تاثیر بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی را در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند و نتیجه گرفتند که شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرس باکیفیت بالاتر در مقایسه با شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرس باکیفیت پایین‌تر، دارای ضریب پایداری اقلام تعهدی بیشتری بوده و درنتیجه قابلیت اتکای اقلام تعهدی بالایی دارند.

۲. محبوبی و مرادنیا (۱۳۹۹). تخصص فنی حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری را موردسنجش قراردادند و نتیجه گرفتند که شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص در صنعت است دارای سطح مدیریت اقلام تعهدی اختیاری پایین‌تری می‌باشند.

۳. امان الهی و معدنچی (۱۳۹۹). نقش اقلام تعهدی در سودآوری و سود سهام شرکت‌ها را موردبررسی قراردادند. نتیجه حاصل از فرضیه اول مبنی بر اینکه واکنش بازار به اعلام افزایش سود سهام، مثبت می‌باشد» که حاکی از وجود ارتباط مستقیم و معنادار بین متغیرها می‌باشد؛ و همچنین نتایج حاصل از فرضیه سوم مبنی بر اینکه اقلام تعهدی مثبت شرکت‌ها همبستگی مثبتی با سودآوری آتی شرکت‌ها دارد تائید شد، در فرضیه دوم یافته‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌یک از معیارهای اقلام تعهدی تحت تأثیر افزایش سود تقسیمی شرکت‌ها نبوده‌اند، یافته مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

٤. ایمانی برندق و هاشمی (۱۳۹۸). تأثیر عوامل سیاسی بر مدیریت سود را موردبررسی قراردادند. به‌این‌ترتیب، شرکت‌های نمونه به دو گروه شرکت‌های وابسته و غیر وابسته سیاسی

1. Bzeouich

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

تفکیک‌شده و به‌صورت جداگانه در دو دوره سیاسی مذکور ازنظر مدیریت سود با استفاده از آزمون مقایسه زوج‌ها موردبررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مدیریت سود انجام‌شده در دوره‌های مختلف سیاسی تفاوت معنی‌داری باهم داشته است یعنی مدیریت سود در ایران می‌تواند از عوامل سیاسی تأثیر بپذیرد.

۵. حسنی و عظیم زاده (۱۳۹۷). رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی: شواهدی از ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی را موردبررسی قراردادند. جامعه آماری غربال‌شده پژوهش طبق الگوی حذفی سامانمند شامل تعداد ۲۱۷ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ است. طبق شواهد پژوهش، بین مدیریت سود تعهدی و کیفیت حسابرسی رابطه معنی‌دار و منفی برقرار است. درعین‌حال، رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی در شرایط ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی، همچنان معنی‌دار و منفی است. این یافته‌ها شواهدی ارائه داد مبنی بر این‌که شرکت‌های درگیر بحران مالی که توسط حسابرس بزرگ حسابرسی شده‌اند، مدیریت سود کمتری داشته‌اند. شواهد نشان داد اندازه، نسبت سودآوری عملیاتی و نسبت بدهی اثر معنی‌دار و مثبتی بر مدیریت سود تعهدی دارند؛ اما نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و نسبت جریان نقد عملیاتی اثر معنی‌دار و منفی بر مدیریت سود تعهدی دارند.

۵. فرضیات پژوهش

فرضیه اصلي اول: بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه اصلي ادوم: اندازه هیئت مدیره بر رابطه بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود تاثیر معنادار وجود دارد.

۶. روش تحقیق

۶-۱. ابزارهای مورد استفاده در تحقیق

اطلاعات مورد نیاز با توجه به ماهیت تحقیق مبانی نظری به روش کتابخانه‌اي و داده‌های مورد نیاز این پژوهش از صورتهای مالی حسابرسی‌شده و سایر گزارشات مالی شرکتهایی عضو نمونه از منابع زیر جمع‌آوری می‌شود:

۱. بانک اطلاعاتی ره آورد نوین.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۲. بانک اطلاعاتی جامع شرکت‌هاي پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از طریق سایت اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران.
۳. صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت‌هاي پذیرفته شده از طریق سایت کدال.

۲-۶. روش مورد استفاده در تحقیق

این تحقیق از نظر هدف از نوع کاربردی است و از لحاظ رویکرد انجام تحقیق از نوع نیمه تجربی، از لحاظ ماهیت تحقیق از نوع اصیل،از لحاظ ماهیت داده ها از نوع کمی،از لحاظ روش شناخت از نوع توصیفی_همبستگی،از لحاظ نوع استدلال از نوع قیاسی_استقرایی،از لحاظ بعد زمان از نوع پس رویدادی(از طریق اطلاعات گذشته)،از لحاظ جمع آوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و از لحاظ تئوری در حوزه پژوهش های اثباتی می باشد.

۷. جامعه و نمونه آماری

۱-۷ . جامعه آماری تحقیق

باتوجه به موضوع پژوهش حاضر، جامعه‌ي آماري مورد بررسي در این پژوهش شرکت‌هاي پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و دوره‌ي مورد تحقیق نیز سالهاي ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ مي‌باشد.

۲-۷. نمونه آماری و تعیین حجم نمونه (کفایت آماری داده ها)

به‌علت گستردگي حجم جامعه آماري و وجود برخي ناهماهنگي‌ها میان اعضاء جامعه، براي گزینش نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده می‌گردد و جهت انتخاب بعنوان نمونه آماری باید حایز معیارهاي زیر باشند:

- سال مالي شرکت‌ها منتهي به پایان اسفند ماه هر سال باشد.(به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه).
- پایان سال مالي شرکت باید پایان اسفند بوده و در طول سال‌هاي 1394 تا1399 تغییر سال مالي نداده باشد.
- جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی(شرکتهای سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی، شرکت‌های لیزینگ) نباشد.
- اطلاعات مالي مورد نیاز به ویژه یاداشتهاي همراه صورتهاي مالي به منظور استخراج دادهاي مورد نیاز در دسترس باشد.
- طی سال‌های مالی مذکور زیان ده نباشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۸. یافته های پژوهش

نتایج برآورد نهایی فرضیه اول:

فرضیه اول، رابطه بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود را موردبررسی قرار می‌دهد ازاین‌رو می‌توان فرضیه اول را به‌صورت زیر نوشت:

فرض صفر: بین رابطه بین بیش ارزشگذاری بالای حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود رابطه معنادار وجود ندارد.

فرض مقابل: بین رابطه بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۱: تخمین نهایی مدل رگرسیونی اول

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره z	سطح معناداری
ارزش‌گذاری بالای سهام	۰,٦٨٧	۰,۰۱۲	٥٦,٢٩	۰,۰۰۰
اقلام تعهدی کل	-۰,۰۰٤	۰,۰۰۲	-۱,٥٩	۰,۱۱۳
اندازه شرکت	۰,۰۰۲	۰,۰۰۱	۲,٤٥	۰,۰۱٤
اهرم مالی	-۰,۱۰۸	۰,۰۰۹	-۱۲,۰۷	۰,۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	۰,۸۳٥	۰,۰۱٤	٥۷,۱۹	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰,۰۰٤	۰,۰۰۷	-۰,٦۰	۰,٥٥۱
عرض از مبدأ	۰,۰۳۷	۰,۰۱۷	۲,۱۷	۰,۰۰۰
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰,٤۷۱۷			
آماره والد و معناداری آن	۷۰۰,۸۹(۰,۰۰۰)			

منبع : یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون فرضیه اول: متغیر ارزشگذاری بالای سهام دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد ازاین‌رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد و فرضیه اول مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

قدرت برازش مدل: ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۴۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۴۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۷۰۰/۸۹ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد ازاین‌رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

تحلیل مالی: همان‌طور که مشاهده شد، بین بیش ارزش‌گذاری سهام و مدیریت سود تعهدی رابطه مستقیم وجود دارد. ازاین‌رو می‌توان گفت که شرکت‌هایی که سهام آن‌ها به‌طور غیرواقعی (حبابی) بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده‌اند، مدیران این شرکتها برای برآورده ساختن انتظارات سهامداران (سرمایه‌گذاران) از طریق اقلام تعهدی اختیاری اقدام به مدیریت سود می‌نمایند.

فرضیه اصلي دوم:

اندازه هیئت مدیره بر رابطه بین ارزشگذاری بالای حقوق صاحبان سهام و مدیریت سود تاثیر معنادار وجود دارد.

جدول ۲: تخمین نهایی مدل رگرسیونی سوم

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره z	سطح معناداری
ارزش‌گذاری بالای سهام	۰,٦٨٩	۰,۰۱۳	۵۱,٤۵	۰,۰۰۰
اندازه هیئت مدیره	-۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۹	-۰,۰٤	۰,۹٦۷
ارزش‌گذاری بالای سهام* اندازه هیئت مدیره	-۰,۰۲۱	۰,۰۰۹	-۲,٤۲	۰,۰۱۵
اقلام تعهدی کل	-۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	-۱,۲٤	۰,۲۱٦
اندازه شرکت	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۱,۵۳	۰,۰۱۲٦
اهرم مالی	-۰,۰۹٤	۰,۰۰۹	-۹,۸٤	۰,۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	۰,۸۵۲	۰,۰۱۵	۵۵,۲۵	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰,۰۰۷	۰,۰۰۷	-۰,۹۳	۰,۳۵۲
عرض از مبدأ	۰,۰۳۹	۰,۰۲۰	۱,۹۱	۰,۰۵٦
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰,۸۸٦۱			
آماره والد و معناداری آن	٦۷۰۰,۳۷(۰,۰۰۰)			

منبع : یافته‌های تحقیق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

نتایج آزمون فرضیه دوم : متغیر ارزش‌گذاری بالای سهام دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد ازاین‌رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد همچنین متغیر نشانگر اثر تعاملی (ارزش‌گذاری بالای سهام* اندازه هیئت مدیره) دارای ضریب ۰/۰۲۱- می‌باشد که معنادار است. به‌طورکلی می‌توان گفت که حضور اندازه هیئت مدیره باعث نظارت بیشتر بر عملیات شرکت شده و ارتباط مستقیم بین بیش ارزش‌گذاری و مدیریت سود از عدد ۰/۶۸۹ به عدد ۰/۰۲۱ کاهش‌یافته است ازاین‌رو اندازه هیئت مدیره نقش تعدیل گر را ایفا می‌کند و می‌توان گفت اندازه هیئت مدیره بر ارتباط بین ارزشگذاری بالای حقوق صاحبان سهام و مدیریت سود تأثیر معکوس و معنادار دارد.

قدرت برازش مدل: ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۸۸ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۸۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۶۷۰۰/۳۷ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد ازاین‌رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

تحلیل مالی: همان‌طور که مشاهده شد، بین بیش ارزش‌گذاری سهام و مدیریت سود تعهدی رابطه مستقیم وجود دارد. ازاین‌رو می‌توان گفت که شرکت‌هایی که سهام آن‌ها به‌طور غیرواقعی (حبابی) بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده‌اند، مدیران این شرکتها برای برآورده ساختن انتظارات سهامداران (سرمایه‌گذاران) از طریق اقلام تعهدی اختیاری اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. از طرفی اندازه هیئت مدیره به‌عنوان یکی از عامل‌های نظارت بر عملکرد شرکت، با حضور خود باعث کاهش میزان تأثیر ارزش‌گذاری بالای حقوق صاحبان سهام بر مدیریت سود می‌شوند.

به طور کلي خلاصه نتايج آزمون فرضيات را مي توان به صورت زير بيان كرد:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون فرضیات

	فرضیه	نتیجه
فرضیه اول	بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد	تایید
فرضیه دوم	اندازه هیئت مدیره بر ارتباط بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود تأثیر دارد.	تایید

منبع : یافته‌های تحقیق

۹. خلاصه تحقیق

جهت آزمون فرضیه‌ها یک مدل رگرسیونی چند متغیره بر اساس اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹٤ لغایت ۱۳۹۹ برازش داده شد؛ این تحقیق ازنظر هدف، تحقیقی کاربردی و در زمره تحقیقات توصیفی- همبستگی حسابداری به شمار می‌رود. متغیرهای موردمطالعه از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران و در مواردی نیز با استفاده از نرم‌افزارهای اطلاعاتی ره‌آورد نوین و وب سایت‌های مرتبط با بورس اوراق بهادار تهران که شامل داده‌های بازار سرمایه‌ای تهران می‌باشند، گردآوری می‌گردد.

اطلاعات ۱٤۹ شرکت پس از بررسی همه‌جانبه از جنبه در دسترس بودن اطلاعات آن‌ها پس از جمع‌آوری، پردازش‌شده و توسط روش‌های آمار توصیفی مناسب و هم‌چنین روش‌های آماری استنباطی جهت تشخیص نوع داده‌های ترکیبی و با استفاده از نرم‌افزار آماری STATA نسخه ۱۰ مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. تحقیق حاضر ازنظر هدف، تحقیقی کاربردی محسوب می‌شود. این تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی به شمار می‌رود. علاوه بر این با توجه به اینکه از اطلاعات تاریخی در آزمون فرضیه‌ها (همبستگی ارتباط بین متغیرها) استفاده‌شده است، با در نظر گرفتن ماهیت و روشی که در این مطالعه استفاده می‌شود، نوعی تحقیق توصیفی- همبستگی به شمار می‌رود. ازاین‌رو به‌طور خلاصه می‌توان بیان نمود تحقیق حاضر، از بعد فرآیند، تحقیقی کمّی، ازنظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، توصیفی- همبستگی و از بعد منطقی، یک تحقیق استقرایی است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

در جمع‌آوری ادبیات نظری و مفاهیم تئوریک، از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. در این روش بر اساس محتوای پایان‌نامه‌ها، مقالات، گزارش‌های علمی، محتوای وب سایت‌های علمی که به نمایه مقالات، مجلات علمی و پژوهشی و مقالات کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی می‌پردازند، در بررسی و تدوین ادبیات موضوع استفاده شد. در جمع‌آوری داده‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها، به‌منظور تحقق اهداف و درنهایت پاسخ‌گویی به سؤال‌های مطرح‌شده و پیشروی این تحقیق، با توجه به مدل‌های تدوین‌شده و متغیرهای موردمطالعه از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران و در مواردی نیز با استفاده از نرم‌افزارهای اطلاعاتی ره‌آورد نوین و وب سایت‌های مرتبط با بورس اوراق بهادار تهران که در بردارندِ داده‌های بازار سرمایه‌ای تهران می‌باشند، گردآوری‌شده است. ابتدا با آزمون توصیفی، توزیع متغیرها با سه شاخص مرکزی، پراکندگی و توزیعی در جامعه موردبررسی و تحلیل قرارگرفته. سپس برای بررسی رابطه بین متغیرها از رگرسیون چند متغیر استفاده شد درواقع تحلیل رگرسیونی فن و تکنیکی آماری برای بررسی و مدل‌سازی ارتباط بین متغیرها می‌باشد.

۱۰. پیشنهادات

۱-۱۰. پیشنهادات منتج از فرضیه ها

۱. مطابق با نتایج فرضیه اول، مهمترین علت پدیده اضافه ارزشیابي، عدم تقارن اطلاعاتي است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسي با الزامات قانوني و استاندارد گذاری، شرکتها را به افشاي کافي و ارائه اطلاعات کامل و شفاف براي تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و ارزیابي آن‌ها از عملکرد شرکت ملزم نمایند و تا حد امکان از اختیارات مدیران براي مدیریت کردن سودها بکاهند.

۲. مطابق با نتایج فرضیه اول، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران بازار سرمایه، پیشنهاد می‌شود که هنگام ارزیابي سهام شرکتها به‌دقت صورت‌های مالي آن‌ها را بررسي کنند و تمامي جوانب شرکت ها را همچون پدیده های اضافه ارزشیابي و مدیریت سود مدنظر قرار دهند و از معاملات ذهني بر پایه باور دیگر سرمایه‌گذاران، خودداري کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۱۱. محدودیت‌های پژوهش

یکی از برجسته‌ترین محدودیت‌های تحقیقاتی که بر پایه آمار استنباطی انجام می‌گردد؛ تعمیم نتایج حاصل از آن‌ها به‌کل جامعه آماری در شرایط زمانی و مکانی مختلف می‌باشد؛ بنابراین در تعمیم نتایج این پژوهش و به‌کارگیری عملی این نتایج نیز باید جانب احتیاط رعایت گردد.
از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر، عدم کنترل برخی عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش ازجمله تأثیر متغیرهایی چون، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی و عوامل اقتصادی و... بوده که خارج از دسترس محقق می‌باشد و ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیر داشته باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

منابع

۱. احمدپور، احمد و منتظري، هادي (۱۳۹۰). نوع مديريت سود و تاثير اندازه شركت، ساختار مالكيت و حاكميت شركتي بر آن، پيشرفت هاي حسابداري (علوم اجتماعي و انساني شيراز)، دوره ۳، شماره ۲ (پياپي ۶۱/۳)، ص ۳۵-۱.

۲. اعتمادی، حسین، آذر، عادل و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۹). بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد واقعی عملیاتی آتی. مجله دانش حسابداری، شماره۱، ص۲۸-۸.

۳. افلاطونی، عباس (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با ای ویوز، انتشارت ترمه، تهران.

۴. ایزدی‌نیا، ناصر و میرزائی، مهدی، (۱۳۹۳). تأثیر ارزشگذاری بالای سهام بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری، مطالعات تجربی حسابداری مالی، مقاله ۴، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ص ۳۱-۸۰.

۵. ايماني برندق، محمد و هاشمي، طاهر، (۱۳۹۷). بررسي تاثير عوامل سياسي بر مديريت سود، دانش حسابرسي، دوره ۱۸، شماره ۷۱، ص ۷۷-۹۰.

۶. آقایی، محمد علی وناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۱). تخصص حسابرس در صنعت و اقلام تعهدی اختیاری. مجله دانش حسابداری، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ص۱۷-۴.

۷. باباجانی، جعفر و عبدی، مجید (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتها، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی. سال دوم. شماره سوم. ص ۶۵-۸۶.

۸. بت شكن، محمد هاشم و رهبري خرازي، مهسا (۱۳۸۸). ميزان رعايت حقوق سهام داران در شركت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش هاي مديريت راهبردي، سال شانزدهم، شماره ۴۲.

۹. پاك مرام، عسگر (۱۳۹۶). تاثير كيفيت حسابرسي بر مديريت سود در زمان عرضه اوليه سهام، دانش حسابرسي، دوره ۱۷، شماره ۶۸، ص ۲۱۹-۲۳۸.

۱۰. جهرومی، مهتاب (۱۳۹۰). شفافیت شرکتها و اجتناب از مالیات. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.

۱۱. حساس‌یگانه، یحیی و کاوه، آذین فر (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسي و اندازه مؤسسه حسابرسي، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره۶۱، ص ۸۵-۹۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۱۲. حساس‌یگانه، یحیی، ولی‌زاده لاریجانی، اعظم و محمدی، امیر (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تخصص حسابرس بر گزارشگري مالی و واکنش بازار سرمایه، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شمارة ۱۹، ص ۶۴-۴۳.
۱۳. حساس‌یگانه، یحیی و حسني، محمد و کاشانیان، شیوا (۱۳۹۰). حاکمیت شرکتي منافع چه کساني را باید تامین کند؟، ماهنامه حسابدار، سال بیست وهفتم، شماره سوم، پیاپی(۲۴۰).
۱۴. حسنی، محمد، عظیم‌زاده، نفیسه. (۱۳۹۶). رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی: شواهدی از ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی، پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی, ۱(۱), ۱۳۹-۱۶۸.
۱۵. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، چاپ هشتم، انتشارات بازتاب.
۱۶. خانی، عبداله و ایمانی، کریم و ملایی، مهنام (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی سال سیزدهم تابستان ۱۳۹۲ شماره ۵۱.
۱۷. خدادادی، ولی، جان‌جانی، رضا (۱۳۹۰). بررسی رابطه مدیریت سود و سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۱)، ۹۶-۷۷.
۱۸. خدامی‌پور، احمد و امینی‌نیا، میثم (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، پژوهشنامه مالیات، شماره نوزدهم (مسلسل۶۷).
۱۹. خوش طینت، محسن و نادی قمی، ولی اله (۱۳۸۸). چارچوب رابطه رفتار اطمینان بیش از حد سرمایه گذاران با بازده سهام، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۵.
۲۰. دیدار، حمزه و منصورفر، غلامرضا و کفعمی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. دوره۲۱، شماره۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۴۳۰-۴۰۹.
۲۱. رامشه، منیژه و ملانظری، مهناز (۱۳۹۳). بیش اعتمادی مدیریت و محافظه کاری حسابداری، مجله دانش حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۶.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

۲۲. رحمانی، علی و محمدی اروجه، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران،دانش حسابرسی، سال یازدهم،شماره۴۵، زمستان، ص۸۷-۸۲.
۲۳. رضازاده، جواد و کمال زارعي مروج (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان شرکتهاي ايراني، فصلنامه مطالعات حسابداري، شماره ۲۰، ص ۱۰۵-۸۹.
۲۴. زنگنه، سمیه، کارگر، حامد (۱۳۹۷). تأثیر سطوح مختلف اهرم مالی بر ارتباط بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و عملکرد شرکت، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۱(۴)، ۳۱-۱۹.
۲۵. سرمدو همکاران (۱۳۸۶). روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگاه.
۲۶. شمس، مینا، فولادی، مسعود، فرهادی، مریم (۱۳۹۵). تأثیر استقلال هیأت مدیره و کیفیت حسابرس بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری، ۳(۱۰)، ۶۱-۸۰.
۲۷. شهر آبادی، ابوالفضل و راحله یوسفی (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر مالیه رفتاری، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۶۹، ص ۳۳.
۲۸. شهیکی تاش، محمد نبی.کاظمی، مهدی و امینی، موسی (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکردشرکت با رویکرد پانل دیتا، مجله اقتصادی - دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره‌های ۹ و ۱۰، ص ۲۴-۵
۲۹. شیرزاد، علی، ریحانه حقیقی و ندا پورغلامرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اندازه شرکت بر مدیریت سود، پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت، تهران، شرکت خدمات برتر.
۳۰. طالبی، علی رضا (۱۳۸۷). از فرضیه کارا تا مالیه رفتاری، مجله بورس، شماره ۷۱.
31. Ahmed, A, S and DUELLMAN (2013) "Accounting Conservatism and Board of Director".
32. Alastair Lawrence, Miguel Minutti-Meza, and Ping Zhang(2011).Can Big 4 versus Non-Big 4 DIFFRENCES IN Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client Characteristics?The Accounting Review 86(1),259.
33. Al-Haddad, L. and Whittington, M. (2019), "The impact of corporate governance mechanisms on real and accrual earnings management practices: evidence from Jordan", Corporate Governance, Vol. 19 No. 6, pp. 1167-1186.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

34. Aljifri, K (2007). "Measurement and Motivations of Earnings Management: A Critical Perspective." Journal of Accounting – Business & Management Vol. 14, PP. 75-95.
35. Armstrong, S, C. Blouin, L, J. Larker, F.D. (2012). The Incentives for Tax Planning. Journal of Accounting and Economics. Vol. 53, pp. 391-411.
36. Balakrishnan, K., Blouin, J. & Guay, W (2012), Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency? Working Paper, University of Pennsylvania
37. Balsam, S., Krishnan, J., Yang, J.S (2003) Auditor Industry Specialization and Earnings Quality. Auditing: A Journal of Practice and Theory, pp. 22-2
38. Bankman, J (2004) An Academic's View of the Tax Shelter Battle. In: Aaron, H, Slemrod, J. (Eds.), the Crisis in Tax Administration. Brookings Institution, Washington, D.C.
39. Bauwhede HV, Marleen Willekens(2004). Evidence on (the lack of) Audit quality. Differentiation in the Private Client Segment of the Belgian Audit Market; European Accounting Review; pp 501 – 522.
40. Ben-David, I, Graham. J and Harvey, C (2006) "Managerial Overconfidence and Corporate Policies", NBER Working paper, NO. 13711.
41. Biddle, G. & Hilary, G (2006). Accounting Quality and Firm-level Investment, The Accounting Review, 81.
42. Bzeouich, B., Lakhal, F. and Dammak, N. (2019), "Earnings management and corporate investment efficiency: does the board of directors matter?", Journal of Financial Reporting and Accounting, Vol. 17 No. 4, pp. 650-670.
43. Campbell, R. D. (2002). Shareholder wealth effects in equity REIT restructuring transactions: Sell-offs, mergers and joint ventures. Journal of Real Estate Literature, 10, 205-222.
44. Chen, S, Chen, X, Cheng, Q & Shevlin, T (2010). Are family firms more tax aggressive then non-family firms? Journal of Financial Economics, vol. 95, pp. 41-61.
45. Chen, Y.Hsu, J(2009).Auditor Size, Auditor Quality, and Auditor Fee Premiums: Further Evidence from the public Accounting Profession.SSRN Working paper Series.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]

46. Chung, R., Firth, M., Kim, J (2002). Institutional Monitoring and Opportunistic Earnings Management. Journal of Corporate Finance-pp. 29-48.
47. Chuntao Li, Frank MSong, Sonid MLWong(2007). Audit Firm Size and Perception of Audit Quality: Evidences from a competitive Audit market in china; pp1-17.
48. Chyz, James and Gaertner, Fabio B. and Kausar, Asad and Watson, Luke, Overconfidence and Corporate Tax Policy (October 2015). Available at SSRN:http://ssrn.com/abstract=2408236
49. Cristhian Mellado-Cid, Surendranath R. Jory, Thanh Ngo, (2017), "Real Earnings Management Activities prior to Bond Issuance", BRQ BusinessResearch Quarterly, Vol. 20, Issue. 3, PP. 164-177.
50. Cristhian Mellado-Cid, Surendranath R. Jory, Thanh Ngo, (2017), "Real Earnings Management Activities prior to Bond Issuance", BRQ BusinessResearch Quarterly, Vol. 20, Issue. 3, PP. 164-177.
51. David M. Drukker(2003). Testing for serial correlation in linear panel-data models, The Stata Journal, Number 2, pp. 168–177

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-01]